

مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی

امام خمینی رحمه الله علیه

شریف لک زایی*

چکیده: این مقاله پژوهشی از نوع درجه دوم و پسینی است و نه پژوهشی درجه یک و پیشینی. از این رو نویسنده در صدد است تا پاره ای از مباحث را که در اندیشه امام خمینی (ره) آمده است، در موضوعی خاص طرح و بررسی نماید.

مباحث مقاله به طور مشخص حول این پرسش طرح شده است که در نظام سیاسی مورد نظر امام خمینی (ره)، چه حقوق و اختیاراتی برای اقلیت‌های دینی (زردشتیان، یهودیان و مسیحیان) و مذهبی (اهل سنت) در نظر گرفته شده است؟ قلمرو این حقوق تا کجاست؟ آیا تنها مسایل عبادی را شامل می‌شود یا مسایل سیاسی را نیز در بر می‌گیرد؟ به عبارتی آیا در مردم سالاری دینی مبتنی بر نظریه سیاسی امام خمینی، با اقلیت‌های دینی و مذهبی رفتار عادلانه و برابری اعمال می‌شود؟

مردم سالاری دینی در این مقاله به دو عنصر اساسی یعنی رضایت خداوند و رضایت مردم اشاره دارد. به عبارتی نظام سیاسی در نظریه سیاسی امام خمینی (ره) از یک سوی به پذیرش و اقبال مردم توجه دارد و آزادانه و آگاهانه و به دست توانا و انتخاب‌گر آن تاسیس می‌گردد و از سوی دیگر به رضایت خداوند و آموزه های شریعت اشاره دارد.

واژه های کلیدی: مردم سالاری دینی، حقوق اقلیت‌ها، حقوق شهروندی، ولایت فقیه، اهل ذمه.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه - عضو و پژوهشگر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی.

مقدمه:

اصطلاح اقلیت که غالباً با ویژگی هایی چون زبانی، قومی، دینی و مذهبی همراه است در برگیرنده آن دسته از گروه های انسانی است که در شرایطی حاشیه ای و در موقعیتی ناشی از فرودستی کمیته و در عین حال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به سر می برند. (پی‌یر، ۱۳۷۴، ص ۵) شاید بتوان گفت اقلیت‌ها بیشتر با این صفت شناخته می‌شوند که در میان طبقات اجتماعی، در مقابل اکثریت، از حیث سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منزلت و جایگاه فرودستی دارند و دست یابی آنان به پاره ای از مناصب و منزلت‌ها در یک جامعه خاص امکان پذیر نیست و یا این که بسیار مشکل خواهد بود. به عبارتی مشارکت در ساز و کار حکومتی با محدودیت‌ها و موانع گسترده‌ای همراه است.

به باور برخی، امروزه دیگر واژه اقلیت آن معنای محدود پیشین را ندارد و کاربرد گسترده تری پیدا کرده است. در این نگاه مفهوم امروزی اقلیت، مفهومی شمارشی و عددی نیست، بلکه این اصطلاح در مورد همه گروه‌هایی به کار می‌رود که در یک جامعه زندگی می‌کنند اما به علت وابستگی قومی، دینی، مذهبی، زبانی و رفتار و عادات از دیگر افراد آن جامعه متمایز می‌شوند. ممکن است این گونه افراد زیر سلطه باشند و یا از مشارکت در امور سیاسی جامعه کنار گذاشته شوند و یا مورد تبعیض و تعدی قرار گیرند، اما اگر نوعی احساس جمعی و گروهی نیز داشته باشند، اقلیت به شمار می‌روند. (خوبروی پاک، ۱۳۸۰، ص ۲) در واقع این احساس جمعی، بیشتر هنگامی به وجود می‌آید که این افراد، که دارای اعتقادات و تعلقات مشابهی هستند از سوی اکثریت حاکم، تحت فشار و مورد تبعیض قرار گیرند و یا از دست یابی به مناصب و مقامات سیاسی منع شوند.

موضوع اقلیت‌ها، با هر تعریفی که از آن پذیرفته شود، امروزه بسیار حائز اهمیت است و بسیاری از حکومت‌ها با این مسئله به طور مستقیم و از نزدیک درگیر و از سوی جامعه جهانی و سازمان‌های حقوق بشر - به هر دلیل - تحت فشار هستند تا با

اقلیت‌های موجود در کشورشان با مدارا و برابری بیشتری رفتار کنند. ممکن است گروهی بپندارند که موضوع اقلیت‌ها در پاره ای حکومت‌ها اساساً مطرح نیست؛ زیرا حکومت، ایدئولوژیک و وابسته به یک دین و مذهب خاص نیست تا سخن از حقوق اقلیت‌ها به میان بیاید، مگر اقلیت سیاسی. این البته ادعایی است که می‌توان بر آن نقض‌های جدی وارد ساخت. به ویژه از مجموع مباحثی که در جوامع غربی جریان دارد، می‌توان حدس زد که این بحث در کانون توجهات اندیشمندان و متفکران غربی قرار دارد و تفسیرهای جدیدی از این بحث توسط آنان ارائه شده است.^۱ بحث کردن در باب اقلیت‌ها در واقع اندیشیدن به مسئله ای اساسی، ملی و بین‌المللی است که تأثیرات فراوانی را بر جامعه و نظام سیاسی بر جای می‌گذارد.

مراد از اقلیت‌ها در این پژوهش، اقلیت‌های دینی و مذهبی است. از آن جا که به ناگزیر در هر کشوری بخشی از جمعیت آن را اقلیت‌هایی تشکیل می‌دهند که با قومیت، زبان، دین و مذهب اکثریت اختلاف دارند، پاره ای از سیاست‌گذاری‌ها و قوانین در رابطه و تعامل با آنان شکل می‌گیرد.

در حکومت‌های دینی این بحث نیز مطرح است؛ زیرا در متون دینی و فقهی این بحث از دیرگاه مورد توجه بوده و نظرانی ابراز شده است. همچنین به این دلیل که اکثریت مردم ایران مسلمان هستند مناسبات آنان با دولت نوعی دیگر و متمایز از رابطه اقلیت‌ها با دولت است. علاوه بر این‌ها از آنجا که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در این باره همواره از سوی نظام بین‌الملل مورد پرسش و بازخواست و تحت فشار بوده، ضرورت دارد زوایای نااندیشیده این بحث مورد تأمل و مذاقه قرار گیرد تا رویه و اجماعی واحد، حد اقل در مرحله عمل، در این زمینه به وجود آید.

پرسش مورد نظر مقاله، این است که در مردم سالاری دینی چه حقوق و اختیاراتی برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است؟ دامنه و گستره این حقوق تا کجاست؟ آیا فقط

به دیانت و مذهب آنها و به عبارتی ، عبادیات باز می گردد یا بخش های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد؟

مقاله به بررسی این گزاره مهم در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می پردازد و به طور مشخص این فرضیه مورد آزمون قرار می گیرد که در مردم سالاری مورد نظر امام خمینی (ره) ، که برگرفته از نصوص و متون دینی است ، حقوق و اختیاراتی برای اقلیت های دینی و مذهبی در نظر گرفته شده است از قبیل : مصونیت و امنیت ، آزادی مذهبی و انجام شعائر عبادی ، آزادی عقیده و... در کنار فرضیه اصلی فوق ، فرضیه ای رقیب مطرح شده است و آن این که در نظام مردم سالاری دینی ، حقوق اقلیت های دینی و مذهبی در بخش های مختلف مورد نقض قرار می گیرد. به عبارتی در حکومت های غیر دینی ، حقوق اقلیت ها تضمین می شود و با آنان رفتار برابریه ای اعمال می گردد، نه در حکومت دینی.

الف. پرسش درباره اقلیت ها

مباحث شفاهی امام خمینی (ره) درباره اقلیت ها بیشتر در اوج پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به پرسش های خبرنگاران مختلفی که با ایشان گفت و گو داشته اند ایراد شده است . گر چه پیش از آن در بحث های فقهی خویش نیز به بحث درباره اهل ذمه پرداخته ، اما در این جا بیشتر ناظر به مسائل اجتماعی و عمومی است که به آن ها اشاره می شود. یکی از موضوعات برجسته و مورد علاقه خبرنگاران خارجی ، پرسش از وضعیت اقلیت ها پس از تاسیس نظام جمهوری اسلامی است. امام خمینی (ره) ضمن پاسخ به پرسش های آنان دیدگاه های خود را در این باره به تصریح بیان کرده است.

در اندیشه امام خمینی (ره) اقلیت ها در نظام جمهوری اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر و احترام کامل برخوردارند: «آنها با سایر افراد در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می شود و در حکومت اسلامی آن ها در رفاه و آسایش هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۹۰) ایشان در پاسخ این پرسش که آیا در جمهوری

اسلامی اقلیت‌های مذهبی جایگاهی دارند یا خیر، ضمن بیان اینکه رژیم شاه با اقلیت‌ها رفتاری بهتر از رفتار با مسلمانان نداشته است می‌گوید:

« ما مطمئناً نسبت به عقاید دیگران بیشترین احترام را قائل هستیم . پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد ، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳)

در واقع ایشان معتقد است در رژیم پهلوی حتی شهروندان مسلمان نیز از شرایط مطلوب برخوردار نبوده‌اند چه رسد به اقلیت‌هایی که درون این نظام زندگی می‌کرده‌اند . اما این نوید را پیش از پیروزی انقلاب اسلامی می‌دهد که شرایط مطلوب حیات برای اقلیت‌ها در نظام دینی کاملاً وجود خواهد داشت . به هر حال در نگاه ایشان تمامی اقلیت‌های دینی و مذهبی از حقوق طبیعی بهره‌مندند.

« اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهب آزادی داده است، آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنها نگهداری می‌کنیم . در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۳۶ و ۳۳۷)

سطوح و لایه‌های آزادی اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، گوناگون است و عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد از جمله: آزادی انجام مراسم و شعائر عبادی، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان و حق اظهار نظر، آزادی سیاسی (حق رای دادن و حق انتخاب شدن به مقامات عمومی و سیاسی) آزادی‌های شخصی و خصوصی و...^۲ باید دید امام خمینی (ره) چه نوع از این آزادی‌ها را حق اقلیت‌ها می‌داند و در کدام موارد آنان را محدود می‌کند. به عبارت دیگر ضمن مطالعه پاره‌ای از این آزادی‌ها روشن خواهد شد که حقوق اقلیت‌ها در مردم سالاری دینی و نظریه سیاسی امام خمینی (ره) چگونه است و چه نسبتی میان مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها برقرار

است. مفروض پژوهش این است که ایشان حقوق و آزادی‌های مذکور را حق مسلمانان می‌داند و در این مقاله بحث می‌شود که آیا امام خمینی (ره) غیر مسلمانان و اقلیت‌ها را نیز در این نوع آزادی‌ها با مسلمانان برابر می‌داند یا این که قائل به تفصیل شده و محدودیت‌هایی برای آنان قائل می‌شود.

ب. مصونیت اقلیت‌ها

مساله امنیت از جمله بدیهی‌ترین حقوق درباره اقلیت‌هاست؛ زیرا پایه ای است برای سایر حقوق. اگر اقلیت‌ها در جان، مال، آبرو و ... دارای مصونیت و امنیت نباشند، سخن گفتن از سایر حقوق آن‌ها نیز میسر نیست. از این رو با توجه به آن چه در متون دینی آمده است، تعدی و تجاوز به شخصیت، جان، آبرو و اموال غیر مسلمانان جایز نیست. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۲۴) امام خمینی (ره) در ضمن سخنان خود به این مسئله پرداخته است. از جمله در این باره می‌گوید:

«به این [اقلیت‌های دینی‌ای] که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، این‌ها در پناه اسلام و مسلمین هستند ... این‌هایی که مذهب رسمی دارند، حق ندارند تعرضی بکنند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۵۱)

مراد از مذهب رسمی مذهبی است که در اسلام به رسمیت شناخته شده است و شامل سه مذهب یهود، مسیح و زردشت می‌شود. باتوجه به مطلب فوق روشن نیست که وضعیت سایر مذاهب در حکومت دینی به چه شکل خواهد بود. آیا حقوق یکسانی با سایر مذاهب و مسلمانان دارند و آیا از امنیت برخوردار خواهند بود یا خیر؟ به هر حال نمی‌توان به صراحت به دیدگاه امام خمینی (ره) در این باره اشاره نمود. اما بدیهی است که در اندیشه‌های اسلامی و دینی همه آدمیان دارای حق حیات اند و نمی‌توان به آنها تعرض نمود. آیات قرآن گواه روشنی بر این مسئله است. به عنوان مثال در قرآن در این باره می‌خوانیم:

« خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده اند و شما را از خانه و کاشانه تان آواره نکرده اند، نهی نمی کند از این که در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید ؛ بی گمان خداوند دادگران را دوست دارد.» (ممتحنه، آیه ۸)

و یا اینکه: « خداوند فقط شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار کرده اند و شما را از خانه و کاشانه تان آواره کرده اندو برای راندنتان (با دیگران) همدستی کرده اند، نهی می کند از این که دوستشان بدارید و هرکس دوستشان بدارد، آنانند که ستمکار (مشرک) هستند.» (ممتحنه، آیه ۹)

آیات مذکور با توجه به شان نزول آنها و آیات پیشین و قرائن موجود در خود این آیات، ناظر به مشرکان و بت پرستان است و آن ها را به دو گروه طبقه بندی می کند: پاره‌ای که با مسلمانان سر جنگ داشته و به آزار آنان می پرداختند و از هیچ گونه کار شکنی ابا نداشتند ؛ و پاره ای دیگر که حاضر به زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان بودند. آیات فوق پیوند دوستی و محبت با گروه نخست را منع کرده است و نسبت به گروه دیگر ، پیوند و محبت را اجازه داده است . ازاین رو کسانی را که با گروه نخست پیوند دوستی برقرار نمایند ، در شمار ظالمان برشمرده ، اما گروه دوم را در شمار دادگران و عدالت پیشگان قرار داده است . از این رو پاره ای از مفسران ، نتیجه ای که از آیات فوق گرفته اند این است که هنگامی که حکم الهی درباره مشرکان و بت پرستان این چنین باشد، درباره اهل کتاب به طریق اولی ثابت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۳۸۶)

از آیات فوق همچنین یک اصل کلی و عمومی درباره مناسبات مسلمانان با غیر مسلمانان نیز برداشت شده است که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و آن این که : مسلمانان موظفند در برابر هر فرد یا گروه و جمعیت و کشوری که موضع خصمانه ای نسبت به مسلمانان نداشته باشد ، بر ضد اسلام و مسلمانان قیام نکنند و دشمنان اسلام و مسلمانان را یاری ندهند، برخورد مسالمت آمیز داشته باشند. حتی اگر جمعیت یا کشوری

در صف دشمنان باشند و تغییر موضع دهند، مسلمانان باید آنان را بپذیرند و با آنان دشمنی نورزند و در هر صورت، معیار وضع فعلی آنها است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۳۸۷)

امام خمینی (ره) در مباحث فقهی خود، آن جا که شرایط اهل ذمه را برمی شمرد به پاره ای موارد اشاره می کند که در صورت پابندی اقلیت ها به آن قیدها، در امنیت کامل به سر می برند و هیچ شخصی نیز حق تعرض به آنان را ندارد. برخی از این شرایط عبارتند از: کاری که با امنیت منافات دارد، مانند تصمیم به جنگ با مسلمانان و یا کمک به مشرکان انجام ندهند. به آن چه نزد مسلمانان منکر و زشت است، مانند شراب خواری، زنا و خوردن گوشت خوک تظاهر نکنند. با محارم خود ازدواج ننمایند. احکام مسلمانان مانند ادای حق و ترک حرام و نیز اجرای حدود الهی را بپذیرند. با سرقت و پناه دادن به جاسوس مشرکان و جاسوسی توسط خودشان، اسباب آزار و اذیت مسلمانان را فراهم نکنند.^۳ (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۴۵۷-۴۵۶)

روشن است که با توجه به مطالب پیش گفته، اهل ذمه می توانند به پاره ای از موارد بر شمرده شده بدون این که به انجام آن ها تظاهر کنند و در حوزه خصوصی خود، عمل نمایند. سخنان امام خمینی (ره) در واقع برداشتی است از آیات مذکور در سوره ممتحنه. البته این شیوه و رفتار با اقلیت ها و مصونیت و امنیت آنان در میان مسلمانان، متخذ از سیره و منش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و امیر عدالت و آزادی، امام علی علیه السلام است. طبق احادیثی که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده است، آزار اهل ذمه به مثابه دشمنی با ایشان فرض شده است. از جمله از ایشان نقل شده است که: «فردی که فردی از ذمیان را بیازارد از من نیست.» (عمید زنجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۸)

(۱۳۸) و نیز «هر کس ذمی را آزار دهد، مرا آزار داده است.» (بیهقی، ۱۳۶۵ق، ج ۹، ص ۲۰۵)

در نهج البلاغه مطالب ارزشمندی از امام علی علیه السلام در باره امنیت و مصونیت آنان در سرزمین های اسلامی و در میان مسلمانان آمده است و امام، در این باره به مسلمانان

توصیه‌ها و تأکیدات صریحی دارد. در یک مورد و در مذمت مسلمانان به خاطر عدم تأمین امنیت اقلیت‌های دینی می‌فرماید:

« گزارش تأیید شده‌ای دریافت کرده‌ام که مردان مهاجم بر زنان آن سرزمین - که پاره‌ای از مسلمانان و پاره‌ای از اقلیت‌های رسمی و ذمی بوده‌اند - حمله آورده و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌هایشان را برگرفته‌اند، و زنان، جز شیون و زاری و التماس، هیچ مدافع و پناه و پناهگاهی نداشته‌اند. و پس از این همه، دشمن متجاوز، بی آن که زخمی بردارد و از بینی یکیشان قطره خونی بریزد، سالم و با دست‌های پر، به پایگاه‌های خویش بازگشته است. به خدا سوگند که این گزارش چنان تلخ و تحمل‌ناپذیر است که اگر مسلمانی از پی شنیدن این فاجعه از شدت اندوه جان بسپارد، نه تنها ملامتش نتوان کرد، بلکه - از دیدگاه من - واکنشی کاملاً طبیعی و پذیرفتنی است.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷ و معادیخواه، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۱۱۴)

در نامه ۵۱ نیز تجاوز به اموال مسلمانان و اقلیت‌ها را نکوهش کرده اما یک استثنا بر آن می‌افزاید: « و هرگز مباد که به مال و خواسته احدی از مردم - از مسلمانان نمازگزار تا اقلیت‌های در گرو پیمان - دست بیازید، مگر اسب و جنگ افزاری بیابید که در تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شده است.» (معادیخواه، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۱۱۴)

ج. آزادی مذهبی

در باره اجرای شعائر دینی و اجتماعی و مصونیت در این باره، امام خمینی (ره) اقلیت‌های مذهبی را در نظام سیاسی دینی در انجام کلیه فرایض عبادی، مذهبی و اجتماعی، آزاد می‌داند و معتقد است: « تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۶۴۱)

امام خمینی (ره) در این فقره ضمن تایید آزادی شعائر و آداب دینی و اجتماعی برای اقلیت‌ها، دولت اسلامی را نیز موظف می‌داند از حقوق آنان پاسداری نموده و امنیت آنان را تامین نماید. در همین زمینه در جایی دیگر در پاسخ به این پرسش که: آیا جمهوری اسلامی اجازه خواهد داد تا مذاهب دیگر به طور آزاد و آشکار به انجام امور مذهبی شان پردازند؟ می‌گوید: «بله، تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرایض مذهب خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.» (صحیفه نور، ج ۳، ص ۷۵)

در بحث آزادی مذهبی، آزادی مراسم و شعائر عبادی و مذهبی اقلیت‌ها توسط غالب عالمان و از جمله امام خمینی (ره)، همان گونه که ذکر شد، پذیرفته است. در این زمینه هیچ گونه تحمیلی برای پذیرش دین اسلام از سوی هیچ کس پذیرفتنی نیست. اساساً دینی که با اکراه و اجبار بر آدمیان تحمیل شود چه سودی خواهد داشت؟ علاوه بر این، خداوند در قرآن کریم چنین شیوه‌هایی را مورد مذمت قرار داده است؛ زیرا در قرآن صریحاً می‌خوانیم:

«در کار دین اکراه روا نیست، چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است.» (بقره، آیه ۲۵۶)

آیه می‌خواهد دین و هر نوع عقیده اجباری را نفی نماید؛ زیرا دین یک سلسله معارف علمی است که معارف عملی در پی دارد. ایمان و اعتقاد از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد. اگر ایمان با اجبار توأم شود، در اعمال نیز اثر می‌گذارد و عمل اکراهی نیز ارزشی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸۳) همچنین طبق نظر پاره‌ای از مفسران، آیه محتمل نفی و نهی است. یکم، نفی. که زمخشری و اغلب معتزله آن را انتخاب کرده‌اند؛ یعنی خداوند امر ایمان را بر اجبار و اکراه و وادار کردن نهاده است، بلکه بر تمکین و اختیار نهاده است. چنان که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«و اگر پروردگارت [به اراده حتمی] می‌خواست، تمامی اهل زمین ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و میداری تا این که مومن شوند؟» (یونس، آیه ۹۹)

دوم، نهی . یعنی کسی را بر اسلام آوردن اجبار نکنید؛ زیرا ایمان اجباری اعتباری ندارد و بلکه کفر اجباری هم اعتباری ندارد و از اهل کتاب باید جزیه گرفت. آیات دیگری نیز بر این مطلب دلالت می‌کند. بنا براین نمی‌توان گفت پیامبر به اجبار مردم را به سوی سعادت و بهشت رهنمون می‌شود ، چه این امر از اساس با دعوت آزادانه آدمیان به توحید و یکتا پرستی منافات دارد . پیامبران در دعوت مردم به توحید و یکتا پرستی هیچ‌گاه از قدرت و زور استفاده نکرده‌اند . چنین شیوه‌ای با اساس دعوت به توحید ناسازگاری دارد و برای دین‌داران نیز قابل توجیه نیست و اساساً ارزشی ندارد . اگر خداوند چنین روشی را می‌پسندید چرا آدمیان را اینگونه نیافرید و یا این‌که چرا دست پیامبر را برای انجام چنین تحمیلی باز نگذاشت و از « لا اكره فی الدین » سخن گفت، به هر حال روشن است که هیچ اجباری برای تغییر شریعت مورد نظر و باور اقلیت‌ها و اسلام آوردن آنان نیست . علاوه بر این‌که آنان بر طبق نصوص دین و سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در انجام اعمال عبادی خود آزاد بودند و ممانعتی در این باره صورت نگرفته است . امام خمینی (ره) و قریب به اتفاق عالمان شیعه نیز در مباحث فقهی خود در این زمینه اهل کتاب را در انجام شعائر مذهبی شان آزاد دانسته‌اند.

د. آزادی عقیده

در باره آزادی عقیده و اظهار نظر اقلیت‌ها نیز امام خمینی (ره) ضمن پذیرش آزادی برای اقلیت‌ها آنان را محق می‌داند که به اظهار نظر و عقیده خود بپردازند:

« دولت اسلامی ، یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت‌های مذهبی آزادی به طور کامل هست و هر کسی می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی ، تمامی منطقی‌ها را با منطقی‌جواب خواهد داد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۰)

پیش فرض ایشان در این سخن این است که اسلام توانایی پاسخ به هر اندیشه و عقیده‌ای را داراست و از این رو اظهار عقیده از سوی دیگران بلامانع است؛ زیرا اسلام به عنوان شریعت پیامبر خاتم، می‌تواند با منطق صحیح، پاسخ هر گونه اندیشه و عقیده‌ای را بدهد. این که اسلام می‌تواند به هر اندیشه‌ای پاسخ دهد خود مبتنی بر مفروض دیگری است و آن این که تنها اسلام از حقانیت برخوردار بوده و از این رو توانایی پاسخ به تمامی پرسش‌ها، چالش‌ها و نیازها و خواسته‌های بشری را داراست. گرچه ایشان به این پیش فرض باور دارند که نشان دهنده امتناع کثرت‌گرایی اعتقادی، مذهبی و دینی است، اما در هر صورت معتقدند دیگر اندیشه‌های بشری نیز امکان بروز و ظهور و حیات دارند.

در موردی دیگر با صحه گذاشتن بر حقوق مشروع اقلیت‌ها، این اعتقاد را بیان می‌دارند که: «اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست، آنان در جمهوری اسلامی آزاداند و آزادانه به مسایل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۸)

البته ایشان متذکر می‌گردد که تساهل و تسامح تنها نسبت به اقلیت‌هایی است که وصف خراب کارانه بر آن‌ها صادق نیست. از این رو «آن‌هایی که شلوغ کارند، آن‌هایی که خراب کارند، برای آنها هیچ کس تساهلی قائل نیست.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۱)

گرچه امام خمینی (ره) در جملات نقل شده به صراحت بر آزادی عقیده توسط اقلیت‌ها تأکید می‌نماید اما در بحث فقهی خویش بر حدود عقلی - شرعی آن اشاره دارند. ایشان در بیان شرایط کفار، خواه اهل ذمه باشند یا خیر می‌گویند: کفار (غیر مسلمانان)، خواه ذمی یا غیر ذمی در جامعه و کشور اسلامی، حق ندارند به تبلیغ مذاهب فاسدشان و نشر کتاب‌های ضاله خود بپردازند و یسا مسلمانان و فرزندان مسلمانان را به مذاهب باطل خود فراخوانند. در صورت انجام چنین کاری، واجب است تعزیر شوند و بر

کار گزاران دولت های اسلامی است که به هر وسیله ممکن از این کار ممانعت به عمل آورند . علاوه بر این ها بر مسلمانان نیز واجب است که از کتاب ها و مجالس آن ها اجتناب کنند و به فرزندان خود نیز اجازه ندهند که به چنین مجالسی رفت و آمد نمایند. در صورتی که از کتاب ها و سایر مکتوبات ضاله آن ها چیزی به دست مسلمانان برسد واجب است آن را از بین ببرند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۴۶۲-۴۶۱)

شیوه مباحث فقهی امام خمینی (ره) چنان که آمد مبتنی بر اصول عقلی و نقلی‌ای است که در خور تامل می‌نماید. در این جا ایشان بر این باور است که کتاب های اهل کتاب دچار تحریف شده و از این رو شایسته ترویج نیستند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۲) البته می توان آن چه در سخنان شفاهی ایشان آمده است را تفسیری بر مکتوبات فقهی امام خمینی (ره) دانست . زیرا همان گونه که از متن پیداست، ایشان در متون فقهی خویش تنها به زبان تکلیف و منع و تحریم اقلیت ها سخن گفته است ، اما در گفت و گوهای شفاهی خود بیشتر به تبیین حقوق اقلیت‌ها پرداخته‌اند. از این رو می توان گفت مباحث بعدی، یعنی سخنان شفاهی امام (ره)، تفسیری است بر آن چه پیش از آن گفته‌اند. برای تایید ادعای فوق می توان به آیات قرآن استناد نمود که شیوه مباحثه و جدال نیکو با اهل کتاب را به مسلمانان آموزش می دهد:

«با اهل کتاب جز به شیوه ای که نیکوتر است مجادله مکنید، مگر با ستمگران آنان، و بگویید به آنچه بر شما نازل شده ایمان آورده ایم ، و خدای ما و خدای شما یکی است و ما همه فرمانبردار اویم.» (عنکبوت، آیه ۴۶)

پاره ای از مفسران بر این باورند که مراد از «بالتی هی احسن» این است که با آن ها با ملایمت و نرمی و مدارا و محبت رفتار شود. در برابر خشونت ، نرمش و در برابر غضب ، بردباری و در مقابل شرارت، خیرخواهی و در مقابل شتابزدگی تانی نشان داده شود . ازاین دید هدف از بحث و گفت و گو ، برتری جویی و توفیق طلبی نیست ،

بلکه هدف این است که سخن در اعماق روح نفوذ کند و در برابر اسلام موضع صحیحی بگیرد. در واقع غیر مسلمانان می بایست بدانند روح اسلام، روح مسالمت جویی است و به مسلمانان توصیه می کند که با آنان برخورد مسالمت آمیز داشته باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، صص ۳۹۲-۳۹۱)

در نصوص دینی البته بر آزادی عقیده و عدم تحمیل عقیده ای خاص، توصیه های فراوانی شده است. اما از سوی دیگر اهل کتاب را به همبستگی با مسلمانان بر سر مسایل مشترکی چون توحید فراخوانده است.

« بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند، به خدایی بر نگیرد و اگر رویگردان شدند، بگوئید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم.» (آل عمران، آیه ۶۴)

دعوت به سوی قدر مشترک، بهترین راه برای همزیستی دو مذهب مختلف است، زیرا غالباً نمی توان از یک گروه خواست تمام عقاید خود را رها کند و تابع آرای دیگران گردد و اگر هم منطقی باشد، عملی نیست. بنابراین گرایش به قدر مشترک میان همه ادیان آسمانی، یعنی اصل توحید و یگانگی خدا زمینه ای برای همبستگی و هم زیستی ادیان الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، صص ۳۹۵-۳۹۴)

هـ رفتار با اقلیت ها

طبق آن چه در گفتار و سخنان امام خمینی (ره) آمده است اساساً رفتار با اقلیت ها و به ویژه اهل کتاب در نظام سیاسی دینی، بر طبق قانون عدالت و انصاف است. ایشان در پاسخ به پرسشی راجع به اقلیت های مذهبی در آینده ایران و عصر حکومت دینی می گویند:

« اقلیت‌های مذهبی در آینده آزاد هستند و در ایران در رفاه زندگی خواهند کرد و ما با کمال انصاف و مطابق با قانون عمل خواهیم کرد. آنان برادران ایرانی ما هستند، آنان هم از شاه و دار و دسته اش به تنگ آمده اند.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۰۱)

در باب اقلیت‌های مسلمان سنی نیز ایشان اظهار می‌دارد که ما با آنان برادریم و پیوستگی خودمان را با آنان اعلام می‌کنیم. ایشان به استراتژی انسجام و همبستگی میان شیعیان و سنیان می‌اندیشیدند و بر این اعتقاد بودند که :

« در اسلام بین شیعه و سنی ابدأ تفرقه نیست، بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنید... این مملکت مال همه ما هست،... مال اقلیت‌های مذهبی،

مال مذهبیون ما، مال برادران اهل سنت ما.» (صحیفه امام، ج ۶، صص ۸۴-۸۳)

به هر حال آنچه از سخنان امام خمینی (ره) می‌توان استنباط کرد این است که در نظام سیاسی مورد نظر ایشان هیچ‌گونه اجحافی به اقلیت‌ها روا داشته نخواهد شد. همه با هم برادرند و از حقوق مساوی برخوردارند : « کردها و سایر دستجاتی که هستند و زبان‌های مختلف دارند، این‌ها همه برادران ما هستند و ما با آن‌ها هستیم و آن‌ها با ما هستند و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۲)

اشتراک در ملیت واحد و منسجم و در پاره‌ای از موارد در دین و مذهب، نقطه ثقل سخن امام خمینی (ره) در پیوند دادن اقلیت‌های مذهبی و دینی با شیعیان و این هر سه (اهل کتاب، سنیان و شیعیان) با یکدیگر است. به هر حال در نگاه امام خمینی (ره) نوع رفتار با اقلیت‌ها انسانی و عادلانه و بر اساس قانون است. یعنی همان رفتاری که از سوی اسلام بر آن تأکید شده است. امام خمینی (ره) در موردی به پیشینه این مسئله و نوع رفتار مسلمانان با اقلیت‌ها در طول تاریخ اشاره کرده و خطاب به نمایندگان زردشتیان می‌گوید:

« همه اقلیت‌ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت‌ها همیشه به طور انسانی، به طور عدالت رفتار کرده است و همه در رفاه هستند و این‌ها هم مثل سایر اقلیت‌ها جزیی از

ملت ما هستند و ما و آن‌ها با هم در این مملکت زندگی می‌کنیم. ان شاء الله. و رفاه همه حاصل خواهد شد و رمز این پیروزی که وحدت کلمه است باید حفظ شود.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۹۲)

در واقع شیوه‌ای که امام خمینی (ره) در رفتار با اقلیت‌ها بر آن تأکید می‌کند، در سخنان و کلام امام علی (ع) نیز به خوبی انعکاس یافته است. آن حضرت در پند نامه‌ای خطاب به مالک اشتر نخعی آدمیان را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند و در هر صورت به مالک فرمان می‌دهد نسبت به آنان با مهر و دوستی رو به رو شود:

« قلب خویش را پوششی از مهر مردم و لطف به آنان فراهم آور: هرگز مباد که مردم را درنده‌ای خون آشام باشی، که خوردنشان را غنیمت بشماری؛ زیرا که مردم به تمام دو گروه اند: یا در دین برادران تواند، یا در آفرینش هم نوعانت. از راه می‌لغزند، به آفت‌ها دچار می‌شوند و دانسته یا ندانسته به کارهایی دست می‌یازند و تو باید از گذشت و چشم پوشی چندان بهره‌مندشان کنی که دوست می‌داری خدای از تو چشم‌پوشد و بگذرد.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳، معادینخواه، ۱۳۷۲، ج ۴، صص ۲۱۵-۲۱۴)

و. فعالیت سیاسی

گرچه امام خمینی (ره) بر حفظ حرمت و پاسداشت حقوق اقلیت‌ها تأکید کرده است اما بنا به ضروریات زمان، در کلام ایشان این مسئله به تفصیل باز نشده و جنبه‌های مختلف آن تبیین نشده است. برای مثال می‌توان به موضوع قدرت و نوع مشارکت آنها اشاره داشت. به عبارت دیگر در سخنان امام خمینی (ره) به صراحت و یا به صورت ضمنی اشاره نشده که آیا اقلیت‌های غیرمسلمان می‌توانند در فرایند قدرت حضور داشته باشند و به عنوان مثال نامزد مقامات و مناصب مهم در حکومت اسلامی شوند یا خیر. همچنین میزان تاثیر آنها بر نظام سیاسی و حکومت دینی و نقش آن‌ها در

این گونه نظام، بسط و تفصیل نیافته است. از این رو برخی زوایای بحث در اندیشه ایشان را نمی‌توان همچون قبل به صورت صریح تبیین کرد.

برای مثال در پاسخ به پرسشی، که در آن از جنبه ملی ایرانی بودن به عنوان یک موقعیت مستحکم نام برده شده که تناقضات میان اقلیت‌ها را از بین برده است و چگونگی این رابطه در حکومت مورد نظر ایشان به پرسش گرفته شده است، می‌گویند: «اسلامی بودن، بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است. اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگر این که هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان و... یا مذهب دیگر فرقی ندارد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۸)

همان گونه که از پرسش و پاسخ پیداست امام خمینی (ره) بر جنبه دیانت تأکید می‌کند و در انسجام و همبستگی اجتماعی نقش اصلی را به شریعت می‌دهد. شاید به این دلیل که اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و از این رو مشترکات اعتقادی فراوانی با همدیگر دارند. غالب عالمان دین بر جنبه شریعت بیش از ملیت تأکید می‌کنند و این مورد نیز در شمار آنها است. اما نکته قابل توجه این است که امام خمینی (ره) در این جا بر برابری حقوق اجتماعی مسلمانان و سایر اقلیت‌ها در حکومت دینی اشاره می‌کند. البته باید تأکید نمود که درک مقصود امام (ره) از «حقوق اجتماعی» باید مستقلاً مورد بحث قرار گیرد تا مشخص شود که حدود و مصادیق آن کدامند. آیا آزادی‌های سیاسی نیز قابل تصور است یا خیر؟ آزادی سیاسی به معنای حق رای دادن و حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن و دست یابی به مناصب و مقامات عمومی و به طور کلی تأثیر گذاری بر حکومت از سوی مردم است؛ با این حال همه اینها مرادند؟ به هر حال این موضوع در اندیشه امام خمینی (ره) محل مذاقه و تأمل است. البته با توجه به

مباحث قانون اساسی که در آن به جنبه هایی از این مباحث اشاره و تاکید شده است ، می توان نظر امام خمینی (ره) را نیز به طور صریح تری استنباط نمود.

امام خمینی (ره) در پاسخ به این پرسش که : آیا دولت جدید مورد نظر شما صد درصد اسلامی است ؟ به این معنا که حکومت آینده ، محلی برای مسیحیان و سایر اقلیت های مذهبی خواهد بود یا نه ؟ می گویند:

« البته که در حکومت اسلامی ، محلی برای اقلیت های مذهبی و جود دازد آن ها الان هم وکیل دارند و در مجلس واردند، ما در حکومت اسلامی هم برای آن ها این حق را قائلیم.»
(صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۴۱)

از فقره فوق این مفهوم استنباط می شود که امام خمینی (ره) معتقد است اقلیت ها در حکومت اسلامی از پاره ای حقوق سیاسی برخوردارند ، مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی . این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم انعکاس یافته است . در اصل شصت و چهارم آمده است : «زردشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.»

ممکن است حضور این پنج نماینده اقلیت های دینی در مجلس شورای اسلامی یک امتیاز نسبت به آنان فرض شود - که همین گونه نیز می باشد - زیرا در هر صورت حضور این تعداد نماینده در مجلس شورای اسلامی با توجه به جمعیت اندک غیر مسلمانان در نسبت با جمعیت مسلمانان در ایران ، بسیار زیاد است. اگر اقلیت ها مسلمان بودند با این تعداد جمعیت به طور قطع بیش از یک نماینده نمی توانستند داشته باشند. اما از سویی برخی بر این اعتقادند که این قانون در واقع اقلیت ها را در راهیابی به مجلس شورای اسلامی محدود کرده است . زیرا نامزدهای مذکور نمی توانند خارج از چارچوب تعیین شده به مجلس شورای اسلامی راه پیدا کنند. افراد مذکور

نمی‌توانند نامزد عموم (اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان) شوند و بنابراین تنها محدود به انتخاب از سوی اقلیت‌ها هستند.

در این خصوص گفته شده که از لحاظ شرعی مسلمانان نمی‌توانند یک غیر مسلمان را به پست و مقامی عمومی برگزینند، زیرا شریعت، سلطه غیر مسلمانان را بر مسلمانان نفی کرده است. البته این مسأله با توجه به شرایط و مقتضیات دنیای کنونی و نیز از نظر عدالت، جای تأمل و مذاقه فراوانی را دارد؛ زیرا هم اینک با توجه به این که پنج نفر از اقلیت‌ها با توجه به تصریح قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی حضور دارند، به هر حال در پاره‌ای از لوایح و طرح‌ها تأثیر گذارند و این تأثیرگذاری در اداره کشور نقش اساسی بر جای می‌گذارد. آیا چنین وضعیتی منجر به سلطه غیر مسلمانان بر مسلمانان می‌شود یا خیر؟ البته پاره‌ای از صاحب نظران بر این باورند که دلیل محدودیت نمایندگان اقلیت‌ها در پنج نفر این است که چون تعداد آنان اندک بوده است قانون گذار نخواست است اقلیت‌ها در اکثریت حل شوند و از حق انتخاب نماینده مستقل محروم شوند. (شریعتی، ۱۳۸۱، ص ۵۴۶) از این رو یک امتیاز نسبت به اقلیت‌ها شمرده می‌شود و نه محدودیت.

دیدگاه مقابل در این بحث بر این اعتقاد است که در جامعه اسلامی، اقلیت‌ها از حقوق درجه دومی برخوردارند و لذا نمی‌توانند به مناصب و مقامات عمومی و سیاسی برگزیده شوند و یا راه یابند.^۴ این رویکرد در مقابل آن دیدگاهی قرار دارد که از میان مسلمانان اهل سنت پیروانی دارد و معتقد است که «بر طبق نظر ماوردی شافعی و ابویعلی الفراء حنبلی، غیر مسلمانان را می‌توان به هر سمت اداری در حکومت اسلامی منصوب کرد، مشروط بر این که تصمیم نهایی با مسلمانان باشد و حتی انتصاب آن‌ها به مقام وزارت مجاز است.» (حمید الله، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰)

ص. اهل ذمه، بحثی فقهی در حوزه عمومی

امام خمینی (ره) در مباحث فقهی خود به طور خلاصه به بحث درباره اهل ذمه پرداخته است. اهل ذمه در اصطلاح فقهی به غیر مسلمانانی اطلاق می شود که در پناه اسلام و حکومت اسلامی زیست می کنند. مقصود اصلی از تشریح پیمان ذمه، ایجاد محیط امن و مفاهمه در زندگی جمعی و هم زیستی مسالمت آمیز میان اقلیت‌های مختلف دینی و مذهبی در قلمرو حکومت اسلامی است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۰، ص ۵۷) در واقع قرارداد ذمه، به مثابه پیمانی ملی است که همه قشرهایی را که در گستره حکومت دینی زندگی می کنند به یکدیگر پیوند می دهد و از سویی نوع رابطه آن‌ها با یکدیگر را نیز تبیین می کند و همه موظف می شوند بر اساس این قانون به تعامل با همدیگر پردازند.

اهل ذمه تنها شامل اهل کتاب یعنی یهودی ها، مسیحی ها و زردشتی ها می شود و سایر ادیان، فرق و مذاهبی که خود را در شمار یکی از این سه قرار دهند نیز اهل کتاب شمرده می شوند اما دیگر آیین ها و مذاهب نظیر کفار حربی و مشرکان، بت پرستان، ستاره پرستان و ... خواه عرب یا عجم و خواه منتسب به پیروان صاحب کتاب باشند، یا کسانی که در اصل دارای یکی از این سه دین نبوده و بعد از اسلام و نسخ کتاب های آن‌ها به یکی از این سه مذهب در آیند پذیرفته نیست و در شمار گروه‌های حربی اند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۳) باید توجه داشت که مذاهب چهار گانه اسلامی، یعنی اهل سنت، در شمار اهل ذمه به شمار نمی روند و طبیعی است که وضعیت آنان بسیار متفاوت از سایر اقلیت‌ها است. در همین زمینه امام خمینی (ره) معتقد است شیعیان و سنیان در جمهوری اسلامی دارای حقوق مساوی هستند:

« در جمهوری اسلامی، شیعه و سنی در کنار هم و با هم برادرند و در حقوق مساوی هستند و هرکس خلاف آن را تبلیغ کند دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنت باید این تبلیغات ضد اسلامی را در نطفه خفه کنند.»

چنان چه پیروان ادیان سه گانه به شرایط ذمه ملتزم و متعهد گردند، به رسمیت شناخته می شوند و در عوض مالیاتی که از آنان اخذ می شود در حکومت اسلامی به شرط پای بندی به شرایط ذمه، در امن و سلامت زندگی می کنند. از جمله شرایط ذمه این است که به انجام کاری که با امنیت جامعه اسلامی ارتباط دارد، مبادرت نورزند. همچنین آن چه در نزد مسلمانان ناپسند است مانند شرابخواری، زنا، خوردن گوشت خوک و ازدواج با محارم نباید انجام دهند. احداث کتیه و نواختن ناقوس ممنوع است. و در هر صورت با ارتکاب هر یک از شرایط ممنوع و در واقع گسستن پیمان، حاکم اسلامی می تواند آنان را به وطنشان باز گرداند. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، صص ۴۵۸-۴۵۶)

از جمله شرایط دیگر ذمه که مجازات سختی را به دنبال دارد این است که هر اقلیت ذمی که از دین خود به دین دیگری که اهل دین سابق آن را به رسمیت نمی شناسند در آید پذیرفته نیست. به عنوان مثال یهودی هایی که بهایی می شوند جز اسلام یا اعدام از آن ها پذیرفته نمی شود. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۶۱)

در تبیین و تحلیل مطالب فوق گفتنی است با توجه به مباحثی که از سخنان شفاهی امام خمینی (ره) نقل گردید، اقلیت های دینی و به عبارتی اهل ذمه در نظام سیاسی اسلامی از حقوق شهروندی برخوردارند و با توجه به پیمانی که با آنان بسته می شود به تعامل با حکومت می پردازند و تضييع حقوق آنان روا نیست. در همین راستا است که ایشان می گوید در صورت تاسیس حکومت عادلای در ایران، از یهودی هایی که ایران را ترک کرده اند نیز دعوت می کنیم که به کشور و موطن خود بازگردند و دولت اسلامی موظف است با آنان در کمال خوش رفتاری عمل نماید. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۰) علاوه بر این ها باید توجه داشت که آن چه تحت پیمان اهل ذمه با حکومت اسلامی مورد توجه امام خمینی (ره) در مباحث فقهی است، در نظام جمهوری اسلامی به طور عملی

تحقق نیافته است. به این معنا که نظام جمهوری اسلامی به عقد قرارداد با اهل کتب مبادرت نورزیده است. از این رو آنان در کنار دیگر شهروندان از حقوق قانونی برخوردارند.

گفتنی است انعقاد پیمان ذمه با اهل کتاب از سوی امام علیه السلام صورت می گیرد و در زمان غیبت امام علیه السلام از سوی نایب او البته در شرایطی که دارای بسط ید و صاحب قدرت باشد قرارداد منعقد می گردد. از آن جا که جزیه مقدار مخصوصی ندارد، میزان آن به نظر حاکم مسلمانان و مصالح زمان و مکان و مقتضیات حال بستگی دارد. همچنین پذیرفتن جزیه نیز طبق نظر امام علیه السلام یا رهبر مسلمانان به طور سرانه یا بر زمین یا هردو یا چیز دیگری تعلق می گیرد. (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۶)

به هر حال از بندهای پیش گفته روشن می شود که اقلیت‌های دینی در نظام سیاسی اسلامی در انجام اعمال عبادی خود آزادند. محدودیتی که امام خمینی (ره) در مباحث فقهی برای آنان قائل می شود عدم تبلیغ دین و عدم نشر کتاب در کشورهای اسلامی است. البته معنای بهتر و کامل‌تر این مطلب با نقل قول دیگری از ایشان مبنی بر این که دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی کلمه است و آزادی عقیده به طور کامل برای همه اقلیت‌ها به طور کامل وجود دارد و اسلام از پاسخ‌گویی به آنان بر می‌آید، (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۱) قابل فهم است. از آن جا که امام خمینی (ره) مطلب اخیر را سال‌ها پس از بحث‌های فقهی خود بر زبان آورده است، از این رو تفسیر و تبیین سخنان پیشین ایشان هم محسوب می‌گردد. بنا براین محدودیت نشر کتاب از سوی اهل کتاب در جمهوری اسلامی برای اهل کتاب تابع همان ضوابط کلی‌ای است که امام (ره) پیش از آن اشاره نموده‌اند:

تاکید بیشتر امام خمینی (ره) مبنی بر این که غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب یا غیر آن‌ها در نظام اسلامی از حقوق شهروندی برخوردارند و مال و جان‌شان محترم است در پاره‌ای از استفتائاتی که از ایشان شده به خوبی تبیین شده است و نشان می‌دهد که ایشان در این باره چگونه می‌اندیشند. در یک استفتاء که درباره اجرای احکام اسلام در

مورد غیر مسلمانان از ایشان شده، می‌گویند: « کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آن‌ها جاری است و محقون الدم (و از ریختن خونشان جلوگیری شده) بوده و مالشان محترم است.»

ح. قانون اساسی و مسأله اقلیت‌ها

با توجه به مطلب پیشین، برای ایضاح بیشتر بحث مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی(ره) مناسب است مباحث قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گیرد. این توجه از جهاتی دارای اهمیت است: از سویی قانون اساسی مورد تایید امام خمینی (ره) و غالب شهروندان ایرانی که اکثریت آنان مسلمان هستند، قرار گرفته؛ و از سویی دیگر، قانون اساسی مبنای عمل و میثاق ملی و منشور هبستگی و انسجام اجتماعی است و همه خود را موظف به عمل بر طبق آن می‌دانند. در ادامه حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی کاویده می‌شود؛ زیرا در هر صورت با توجه به این که « دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است»(اصل ۱۲) اما در قانون اساسی تمهیداتی برای مذاهب و ادیان دیگر، که در نظام جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند، اندیشیده شده است که اتفاقاً با مردم سالاری دینی نیز همگامی و همخوانی دارد. برای مثال درباره مذاهب دیگر می‌خوانیم:

« مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند.»

علاوه بر این در همین اصل پیش بینی شده است که « در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.» این بخش از اصل دوازدهم این حق

را برای اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته که هر کدام در منطقه خود دارای اکثریت است، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق مذهب آنان خواهد بود. این اصل همچنین مشارکت سیاسی را که لازمه مردم سالاری است در بین اقلیت‌ها افزایش می‌دهد.

درباره پیروان سایر ادیان الهی که در ایران زندگی می‌کنند می‌گوید: «ایرانیان زردشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» (اصل ۱۳)

اصل چهاردهم، به تصریح آیات خداوند، غیر مسلمانان را به طور عام مورد توجه قرار داده و به رفتار انسانی، همزیستی مسالمت آمیز و رعایت حسن سلوک با اقلیت‌های غیر مسلمان توصیه و سفارش می‌کند:

« به حکم آیه شریفه: لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من ديارکم أن تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین. (ممتحنه، آیه ۸) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف اند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

تاکید عمده اصل فوق بر رعایت حقوق انسانی اقلیت‌ها از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان است. این حقوق انسانی همچنین با تصریح به اخلاق حسنه و قسط و عدل در این اصل در هم آمیخته است. این تأکیدات و تصریحات از آن رو است که در واقع گوهر دین و دیانت، عدالت و عدالت گستری است و انبیای الهی نیز برای برقراری و تحقق عدالت تلاش کرده اند:

« لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط؛ به راستی که پیامبرانمان را همراه با پدیده های روشنگر فر فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و سنجه فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.» (حدید، آیه ۲۵)

بدیهی است که در پرتو حکومت دینی و اندیشه اسلامی نمی‌توان به تبعیض میان مسلمان و غیر مسلمان حکم نمود. بنابراین تحقق عدالت برای همه به یکسان می‌بایست انجام گیرد و زیننده مدعیان حکومت دینی نیست که نابرابری و بی‌عدالتی میان شهروندان مسلمان و غیر مسلمان وجود داشته باشد. البته رعایت انصاف درباره کلیه شهروندان، در قانون اساسی نیز پذیرفته شده است. در واقع تاکیدات قانون اساسی بر «جامعه ایران» و «انسان» خود نشان دهنده وسعت دید شریعت اسلام و نیز اندیشمندان مسلمان به مسأله عدالت و انصاف است. در همین زمینه اصل بیستم به برابری غیر مسلمانان با مسلمانان در همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکم می‌کند:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»
اصل نوزدهم بر نفی هر گونه تعصب قومی و قبیله‌ای تاکید می‌کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.»

بند هشتم از اصل سوم بر: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» تاکید دارد. از این رو اقلیت‌ها به عنوان مصداق عامه مردم می‌توانند در تعیین سرنوشت خویش در ابعاد مذکور مشارکت نمایند. ایسن مشارکت هنگامی عملی خواهد شد که زمینه تاثیر گذاری آن در امور مزبور مهیا شود. از این رو اصل شصت و چهارم به این تاثیر گذاری در امر قانون گذاری اشعار دارد و می‌گوید: «زردشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی

مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.» بنابراین زمینه تأثیرگذاری اقلیت‌های دینی در امر قانون‌گذاری فراهم شده است ضمن این که اقلیت‌های مذهبی همانند شیعیان می‌توانند در هر کجا که بخواهند نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شوند و بر روند قانون‌گذاری تأثیر بگذارند.

اما از سوی دیگر بر طبق اصل هشتاد و چهارم، این نمایندگان در برابر تمامی ملت مسئول شمرده می‌شوند: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.»

موارد دیگری نیز می‌توان به مطالب فوق افزود. اما در هر صورت روح کلی قانون اساسی در برخورد با اقلیت‌های دینی و حتی اقلیت‌های مذهبی، مبتنی بر عدالت و انصاف است. این عدالت و انصاف، البته زمینه‌های مشارکت عمومی اقلیت‌ها را در سطح جامعه فراهم می‌سازد و حتی بر آن تأکید و توصیه می‌کند و چنین مشارکتی را حق شهروندان می‌شمارد. نمونه‌های فوق در مقایسه با اندیشه امام خمینی (ره) و مردم‌سالاری دینی نیز نتایج معناداری را نصیب پژوهشگر می‌سازد که به پاره‌ای از آن‌ها در ضمن بحث اشاره شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه آمد باید خاطر نشان کنیم که امام خمینی (ره) در کتاب «ولایت فقیه» همت خود را صرف محور اصول فقهی حکومت دینی کرده‌اند و احکام و حقوق اقلیت‌ها را با توجه به مباحث فقهی تبیین کرده‌اند. ضمن این که باید یادآوری کنیم که ایشان به پاره‌ای حقوق سیاسی و اجتماعی اقلیت‌های مذهبی و دینی پرداخته‌اند که البته متکی بر مباحث دقیق و فنی فقهی ناگفته، است. ایشان این دیدگاه‌ها را در ضمن پاره‌ای از سخنرانی‌های که از سوی ایشان مطرح گشته، آورده‌اند. به همین دلیل در این مقاله اعتبار هر دو به یک اندازه فرض و تلاش شد تا مباحث ایشان به نصوص دینی و متون دینی بازخوانی شود.

امام خمینی (ره) به دلیل مقتضیات زمانی و مکانی اوایل انقلاب و تاسیس جمهوری اسلامی، پاسخ مشخصی برای این سوال که آیا اقلیت‌های دینی می‌توانند برای کسب قدرت در نظام سیاسی تلاش کنند یا خیر نمی‌دهند، البته می‌توان به احتمال فراوان حدس زد که در این نظریه تلاش اقلیت‌های دینی برای به دست گرفتن قدرت در نظام سیاسی اسلامی ممنوع است. در هر صورت در این نظریه بر حق حیات و ایجاد شرایط مطلوب زندگی برای اهل کتاب و غیر مسلمانان تاکید شده است. ضمن این که تاکید به برابری اقلیت‌ها با سایر افراد شده و این که با آنان بر طبق انصاف و قانون رفتار خواهد شد. همچنین بر احترام حقوق و عقاید آنان، آزادی در انجام فرایض دینی و مذهبی، آزادی در اظهار عقیده و... تاکید شده است. در این نظریه پاره‌ای محدودیت‌ها نیز مطرح شده است که همانا وصف خرابکارانه یکی از عواملی است که به ایجاد محدودیت - البته برای آنان که به این ویژگی متصف شوند - می‌انجامد. همچنین اقلیت‌ها تا هنگامی که به شرایط مندرج در قرارداد ذمه باقی بمانند و از آن تخلف نکنند در امنیت و مصونیت قرار دارند.

در هر صورت با توجه به اندیشه امام خمینی (ره) و نیز مباحث قانون اساسی، حوزه گسترده‌ای از حقوق برای اقلیت‌ها به تصویر کشیده می‌شود. این حقوق و اختیارات، فرضیه اصلی این مقاله و نسبت معنا دار مردم سالاری دینی با حقوق اقلیت‌ها را اثبات می‌کند و از سوی فرضیه رقیب را که معتقد به ناسازگاری مردم سالاری دینی با حقوق اقلیت‌هاست، ناکام می‌گذارد.

یادداشت‌ها

۱ - برای نمونه بنگرید به مباحثی که در منبع زیر آمده است: سید علی رضا حسینی بهشتی، بنیاد نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی، چاپ نخست، تهران، بقمه، ۱۳۸۰. این کتاب به بعد خاصی از مسأله گوناگونی فرهنگی اشاره دارد. پرسش اصلی که فصل‌های این کتاب از

طریق بررسی نقادانه مناظره مشهور ما بین لیبرال ها و جامعه گرایان به دنبال یافتن پاسخی برای آن می باشد، مبنای اخلاقی فرایندهای تصمیم گیری سیاسی در اجتماعات امروزی است که به لحاظ فرهنگی متعدد هستند. گوناگونی فرهنگی که مفاهیم متفاوت از خود و مطالبات برخاسته از هویت های فرهنگی گوناگون به میان می آورد. در این باره مطالعه بحث های ویل کیملیکا، که صریح تر و بیشتر به مسأله اقلیت ها و گوناگونی فرهنگی پرداخته است، در همین منبع توصیه می شود. او استنتاجات بدیعی از این موضوع را مطرح می کند که در جای خود قابل بحث و بررسی های فراوانی است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مقاله ای از کیملیکا با عنوان: *Justice and Minority Rights* (عدالت و حقوق اقلیت).

۲- درباره تعهدات و وظایف حکومت و جامعه اسلامی نسبت به اقلیت ها یا به عبارتی اهل ذمه، که در این پژوهش از آن ها سخنی به میان نمی آید، می توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) مصونیت همه جانبه (۲) آزادی مذهبی؛ (۳) آزادی مسکن؛ (۴) استقلال قضایی؛ (۵) آزادی فعالیت های اقتصادی و روابط بازرگانی؛ (۶) حق اجرا و رسمیت حقوق مدنی؛ (۷) آزادی در فعالیت های اجتماعی. این مجموعه وظایفی است که بر عهده دولت اسلامی است. اما برخی تعهدات وجود دارد که ممنوع شمرده شده است و به قرار زیرند: (۱) به مخاطره افتادن حاکمیت و استقلال دولت و جامعه اسلامی؛ (۲) تعهدات منافی با اصل سیادت؛ (۳) تعهدات مخالف با احکام اسلامی؛ (۴) تعهدات مخالف با قانون قرارداد ذمه؛ (۵) قراردادهای مخالف با اصل آزادی دعوت اسلامی؛ (۶) تعهدات ناقض تمامیت ارضی. برای اطلاع تفصیلی از موارد بر شمرده شده بنگرید به عباس علی عمید زنجانی، حقوق اقلیت ها بر اساس قانون قرارداد ذمه، بررسی گوشه هایی از مفاهیم حقوق بین الملل از نظر فقه اسلامی، چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱-۲۹۸.

۳- طبق مقررات اسلامی افراد غیر مسلمان با شرایط خاصی می توانند به طور رسمی به ملت مسلمان ملحق گشته و با مسلمانان تشکیل امت واحده بدهند. این نوع تابعیت که به صورت قراردادی انجام می گرفت در فقه اسلامی ذمه نامیده شده است. کسانی هم که چنین معاهده ای با مسلمانان امضاء می کردند، ذمی می گفتند. شرایط خاص این پیمان که مورد اتفاق نظر فقه

است به این شرح است: ۱. افرادی که پیمان ذمه را امضاء می‌کردند باید به یکی از ادیان سه گانه مجوس، یهود و مسیح ایمان آورده باشند و بنا به اصطلاح فقهی اهل کتاب باشند. ۲. از هر گونه توطئه و اقدامات خصمانه که موجب اضطراب و آشوب و به هم خوردن امنیت عمومی مسلمین می‌شد، خودداری نمایند. ۳. افراد ذمی اگر اختلافی داشتند که محتاج طرح دعوا بود، چنان که یک طرف مسلمان باشد باید از قوانین قضایی و جزایی اسلام پیروی کنند و چنان چه هر دو طرف غیر مسلمان باشند ازاد بودند تا با انتخاب خویش به محاکم خصوصی خود طبق آئینی که داشتند یا به محاکم اسلامی طبق احکام اسلامی مراجعه نمایند. ۴. بر طبق پیمان ذمه باید هم پیمانان سالیانه مالیاتی به عنوان جزیه به دولت اسلامی پرداخت نمایند. کیفیت و کمیت آن با رضایت طرفین در متن قرارداد مشخص و معین گردد. این قبیل اشخاص رسماً تبعه دولت اسلام محسوب می‌شدند و حکومت اسلامی مسؤلیت حمایت آنان را به عهده می‌گرفت و از نظر قانون دارای حقوق مشترک می‌شدند. ر.ک: مصطفی محقق داماد. دین، فلسفه و قانون. به کوشش علی دهباشی. تهران: شهاب ناشر و سخن، ۱۳۷۸، ص ۵۲۸ و ۵۲۹.

۴ - «از نظر اسلام آن جامعه مدنی که در آن کافر و مسلمان در برخورداری از همه حقوق و احراز همه مقام‌ها یکسان اند، قابل پذیرش نیست. ما صریحاً اعلام می‌کنیم که اسلام اجازه نمی‌دهد که در جامعه اسلامی کافر بر مسلمان مسلط شود و اجازه نمی‌دهد که یک حزب و فرقه مذهبی الحادی و وابسته به صهیونیسم، مذهب رسمی شود. حال فرق نمی‌کند که عنوان دو درجه‌ای بودن شهروندی بر این تفاوت در حقوق و صلاحیت‌ها بنهند یا عنوان دیگری.» محمد تقی مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام: کشورداری، ج ۲، چاپ دوم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ص ۵۴.

منابع

۱- قرآن کریم (ترجمه تمامی آیات در این مقاله از بهاء الدین خرمشاهی است)

- ۲- امام خمینی، تحریر الوسیله، ۲ج، سوریه، المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الاسلامیه الایرانیه، ۱۴۰۷ق (۱۹۸۷م)
- ۳- بیهقی، السنن الکبری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ق.
- ۴- حسینی بهشتی، سید علی رضا، بنیاد نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی، تهران، بقیه، ۱۳۸۰.
- ۵- حمیدالله، محمد، سلوک بین المللی دولت اسلامی، سید مصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۶- ژرژ، پی‌یر، ژئوپلیتیک اقلیت‌ها، دکتر سیروس سهامی، تهران، واقفی، ۱۳۷۴.
- ۷- شریعتی، روح‌الله، حقوق و وظایف غیر مسلمانان در جامعه اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- ۸- شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، قم، جماعه المدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ۹- صحیفه امام، (مجموعه سخنان امام خمینی (ره))، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۰- صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، محمد باقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷.
- ۱۲- عمید زنجانی، عباس علی، حقوق اقلیت‌ها بر اساس قانون قرارداد ذمه، بررسی گوشه‌هایی از مفاهیم حقوق بین‌المللی از نظر فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۱۳- محقق داماد، مصطفی، دین، فلسفه و قانون، تهران، شهاب ثاقب و سخن، ۱۳۸۷.
- ۱۴- مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام: کشورداری، قم، موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۱۵- معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب: فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه، چاپ اول، ذره، ۱۳۷۲.
- ۱۶- مکارم شیرازی ناصر و دیگران، پیام قرآن، تفسیر نمونه موضوعی، قم، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب، ۱۳۷۵.